

جنگ تجاری به پکن کمک می‌کند برای رقابت بلندمدت آماده شود

بهرهٔ چین از دورهٔ دوم ترامپ

فاطمه محمدی پور
منرج

جنگ تعرفه‌ای ترامپ، چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟ تقریباً همه تحلیلگران چشم‌انتظارند تا نتیجه این شـاخ و شانه کشیدن‌های رئیس‌جمهور آمریکا برای کشورها را ببینند. یکی از این تحلیلگران «یون سان»، پژوهشگر مؤسسه بروکینگز است. او در مقاله‌ای با عنوان «لسدٔ چین از دوره دوم ترامپ؛ جنگ تجاری به پکن کمک می‌کند برای رقابت بلندمدت آماده شود» در سایت تحلیلی فارن افرز، نوشته که «توانایی ایالات متحده آمریکا برای آسیب رساندن به منافع اقتصادی چین از طریق تعرفه‌ها کاهش یافته است که این امر به پکن آزادی عمل بیشتری در مذاکرات تجاری آینده می‌دهد.» متن کامل مقاله پژوهشگر مؤسسه بروکینگز را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

به دنبال پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۴، سیاست‌گذاران و نخبگان فکری چین نگران بدترین وضعیت در روابط بین چین و ایالات متحده بودند. تلخی و آسیب‌های جنگ تجاری اول دولت ترامپ در پکن باقی مانده بود و با اقتصادی که از قبل کند بود و آسیب‌پذیری‌های آشکار ناشی از وابستگی متقابل تجاری، رهبران چین برای «طوفانی بی‌سابقه» که می‌توانست روابط دوجانبه را نابود کند، آماده شدند.

با این حال، شش ماه پس از دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، چشم‌انداز پکن به طور قابل توجهی بهبود یافته است. سیاست‌گذاران چینی اکنون به این درک رسیده‌اند که در تجارت، قدرت و اهرم بسیار بیشتری نسبت به آنچه قبلاً تصور می‌کردند بر ایالات متحده دارند و حداقل در حال حاضر، پکن ترامپ وسواسی نسبت به کسری تجاری را شریکی عمل‌گراتر و سازگارتر برای همکاری می‌داند.

رهبران چین اکنون معتقدند کسه می‌توانند برای کاهش تنش‌ها با ترامپ به توافق تجاری برسند. آن‌ها مشتاق‌اند که در پاییز امسال میزان نشستی بین ترامپ و «شنی جین‌پینگ» رهبر چین، باشند تا لحنی مثبت‌تر برای روابط بین واشنگتن و پکن ایجاد کنند. با این حال، این خوش‌بینی تازه به این معنی نیست که پکن فکر می‌کند راه‌حل دائمی برای روابط ایالات متحده و چین پیدا کرده است. احساس غالب در محافل نخبگان چین همچنان این است که دو کشور درگیر رقابت استراتژیک بلندمدت هستند. اما رهبران چین می‌خواهند از اهرم تجاری خود برای ایجاد توافقی استفاده کنند که برای آن‌ها زمان بخرد تا آسیب‌پذیری‌های سیاسی و امنیتی خود را کاهش دهند. رهبران چین در مواجهه با دولت دوم ترامپ معتقدند که ممکن است فرصتی برای دستیابی به اهداف خود بدون جنگ با ایالات متحده پیدا کرده باشند. ورق برگشته است. وقتی ترامپ برای دومین بار در ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ به عنوان رئیس‌جمهور سوگند یاد کرد، پکن انتظار داشت که وی روابط دوجانبه را از جایی که چهار سال پیش آن را ترک کرده بود، از سر بگیرد. این انتظار به معنای تجدید تلاش‌های دولت ترامپ برای رسیدگی به عدم تعادل تجاری بین ایالات متحده و چین - احتمالاً از طریق تعرفه‌های تیبیهی نهاجمی- بود. پکن همچنین خود را برای انتقاد ایالات متحده از رژیم سیاسی چین، از جمله نحوه برخورد آن با گروه‌های اقلیت و مخالفان، آماده کرد و نگران حمایت بیشتر ایالات متحده از تایوان بود.

نشانه‌های اولیه این سوء-ظن‌ها را تأیید کرد. در فوریه و مارس، ترامپ به دلیل نگرانی در مورد ورود فنتانیل از چین به ایالات متحده، دو دور تعرفه دودرصدی بر صادرات چین اعمال کرد. وقتی چین در ماه آوریل با اقدامات متقابل، از جمله تعرفه‌های متقابل و محدودیت‌های صادراتی، به تعرفه‌های گسترده‌تر «روز آزادی» ترامپ پاسخ داد، ایالات متحده ۱۲۵ درصد تعرفه اضافی بر صادرات چین اعمال کرد. در کنار تعرفه‌های موجود، تا اواسط آوریل نرخ تعرفه ایالات متحده برای کالاهای چینی به نزدیک ۱۵۰ درصد رسید؛ تشدید بزرگی که به نظر نمی‌رسید هیچ راه فراری ارانه دهد.

■ اوضاع تغییر کرد

اما سسپس اوضاع تغییر جالبی کرد. بسیاری از ناظران معتقد بودند که چین با عقب راندن ترامپ ریسک بزرگی کرده است و اقتصاد چین قادر به تحمل جنگ تجاری نخواهد بود. اما پس از اعمال تعرفه‌های متقابل، پکن با کمال تعجب دید که واشنگتن مشتاق‌تر به کاهش تنش‌های تجاری است. ایالات متحده و چین در ۱۲ مه در ژنو توافق‌نامه‌ای برای کاهش نرخ تعرفه‌ها امضا کردند و ترامپ و شی در ۵ ژوئن تماس تلفنی داشتند. اگر چه این توافق‌نامه تعرفه‌ها را حذف نکرد، اما دور اول تشدید تجارت به پایان رسید. رهبران چین در کمال تعجب احساس می‌کردند که در تجارت با ایالات متحده در موقعیت بسیار قدرتمندی قرار دارند.

■ آمریکا ضعیف‌تر از چین در تحمل شوک تجاری

بسیاری از سیاست‌گذاران در پکن از وقایع آوریل و مه به این نتیجه رسیدند که توانایی ایالات متحده در تحمل شوک تجاری ضعیف‌تر از چین است؛ چیزی که واشنگتن را به دنبال یافتن راه‌حلی برای این مشکل انداخت. «شوک عرضه» که ایالات متحده از تعرفه‌های بالاتر با آن مواجه است، دشوارتر از «شوک تقاضا» در چین است. این امر نتها به این دلیل است که مصرف‌کنندگان آمریکایی باافاصله کمبود عرضه را احساس می‌کنند، بلکه به این دلیل است که سیستم سیاسی چین دستکاری افکار عمومی داخلی و محدود کردن واکنش‌های منفی را برای پکن آسان‌تر می‌کند. رهبران چین از کشف این موضوع که تعرفه‌های ترامپ بر بازار سهام، بازار اوراق قرضه، صنعت خرده‌فروشی و مصرف‌کنندگان آمریکایی تأثیر گذاشت، خوشحال شدند. واکنش داخلی در آمریکا به تعرفه‌های ترامپ نقاط فشار جدیدی را برای پکن آشکار کرد که می‌تواند به طور بالقوه از آن‌ها بهره‌برداری کند.

رهبران چین همچنین در یافتند که ایالات متحده چقدر به عناصر خاکی کمیاب (مانند تنویدیم، دیسپروزیوم و...) وابسته است که تأمین آن‌ها تقریباً به طور کامل در دست پکن است. چین در ۴ آوریل صادرات عناصر کمیاب کلیدی را متوقف کرد که این امر توانایی ایالات متحده را در تهیه فلزات مورد نیاز برای تولید خودرو، هوابیم و سایر محصولات تهدید می‌کرد. در جلسه ماه مه در ژنو چین موافقت کرد که محدودیت‌های صادرات عناصر کمیاب را که در پاسخ به «روز آزادی» اعمال کرده بود، لغو کند. با این حال، پس از منتهم کردن واشنگتن به نقض توافق با اعمال محدودیت‌های جدید بر شرکت‌های چینی، از جمله ممنوعیت شرکت‌های آمریکایی از استفاده از تراشه‌های هوش مصنوعی ساخته‌شده توسط شرکت فناوری هوایو، چین در عمل به تعهد خود تعلل کرد. رویارویی متعاقب آن اثر بخشی اهرم فشار آن‌ها بر ایالات متحده را به رهبران چین بیشتر ثابت کرد. عدم تمایل پکن برای آزادسازی بیشتر عناصر کمیاب، واشنگتن را خشمگین کرد که با محدودیت‌های ویزا برای دانشجویان چینی و محدودیت‌های صادرات موتورهای جت به آن پاسخ داد. آنچه رهبران چین از این پاسخ مؤختند این بود که عناصر کمیاب برای صنعت ایالات متحده آن‌قدر مهم هستند که واشنگتن برای محافظت از عرضه آن‌ها به هر کاری دست خواهد زد. برای بسیاری از سیاست‌گذاران چینی، عناصر کمیاب اولین گلوگاه استراتژیک مؤثر چین در تاریخ روابط ایالات متحده و چین هستند.

■ طراحی چین از سال ۲۰۱۸

پکن همچنین متوجه شد که تلاش‌هایش در طول دهه گذشته برای تقویت تاب‌آوری اقتصادی نتیجه داده است. از سال ۲۰۱۸، چین وابستگی خود را به زنجیره‌های تأمین ایالات متحده کاهش داد و منابع واردات و صادرات خود را متنوع کرد. تا پایان سال ۲۰۲۴، از نظر ارزش کل، چین بیشتر با اتحادیه اروپا و انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا تجارت می‌کرد تا با ایالات متحده. استفاده گسترده از حمل‌ونقل دریایی و انتقال کالاهای چینی از طریق سایر کشورها، صادرات چین را از برخی شوک‌های جنگ تجاری دوجانبه مصون می‌دارد، زیرا تلاش‌ها برای اعمال تحریم‌های مستقیم بر چین را پیچیده می‌کند. دولت ترامپ در مذاکرات تجاری جاری خود

سعی در سرکوب حمل‌ونقل دریایی داشته است، اما اجرای هرگونه مجازات حمل‌ونقل دریایی تقریباً غیر ممکن خواهد بود، مگر اینکه واشنگتن به طور کامل از اقتصاد جهانی عقب‌نشینی کند و تجارت با هر کشوری که با چین ارتباط دارد را متوقف سازد.

در گفت‌وگوهای سیاسی در پکن در تابستان امسال، محققان و تصمیم‌گیرندگان چینی عبارت سساده‌ای را تکرار کردند که حس جدید توانمندسازی آن‌ها را نشان می‌داد. آن‌ها در واکنش به این عبارت که «جنگ تجاری وجود دارد» گفتند: «جنگ تجاری وجود دارد، خوب که چه؟ ترامپ ممکن است فشار بر چین را افزایش دهد، خوب که چه؟» وقتی بحث در مورد این بود که چین در صورت توافق تجاری چگونه ممکن است به غیر قابل‌بیش‌بینی بودن ترامپ واکنش نشان دهد، به نظر می‌رسید تصمیم‌گیرندگان چینی کاملاً به توانایی خود برای عبور از این طوفان اطمینان دارند. اکنون این باور وجود دارد که توانایی ایالات متحده برای آسیب‌رساندن به منافع اقتصادی چین از طریق تعرفه‌ها کاهش یافته است؛ چیزی که به پکن آزادی عمل بیشتری در مذاکرات تجاری آینده می‌دهد.

■ معامله با دونالد ترامپ

رهبران چین از مذاکره برای رفع کوتاه‌مدت عدم تعادل تجاری خوشحال هستند، به‌خصوص اگر انجام این کار از پرداختن به مسائل ساختاری بلندمدت در اقتصاد چین که تغییر آن‌ها دشوارتر است، مانند پارانه‌های گسترده دولتی به صنایع محلی، اجتناب کند. به عنوان مثال، پکن مایل است خرید محصولات آمریکایی توسط چین را در ازای کاهش برخی از کنترل‌های صادراتی ایالات متحده بر محصولات با فناوری پیشرفته افزایش دهد. پکن حتی حاضر است محدودیت‌های صادراتی داوطلبانه را برای جلوگیری از ارسال برخی از محصولات چینی مانند باتری به ایالات متحده مورد بحث قرار دهد که با کاهش عدم تعادل تجاری کمک می‌کند. پکن همچنین به دلیل تفاوت‌هایی که بین دولت اول و دوم ترامپ می‌بیند، نسبت به یک توافق کوتاه‌مدت خوش‌بین است. برخلاف دوره اول ترامپ که در آن جنگجویان جدید جنگ سرد ضد چینی سیاست را شکل می‌دادند، دولت دوم ترامپ اشاره‌کمی به ایدئولوژی داشته و عمدتاً از انتقاد از مشروعیت حزب کمونیست چین خودداری کرده است. در شش ماه گذشته واشنگتن در حمایت از تایوان نیز خوشبین‌تری کرده است. ترامپ ن‌تها در پایان ماه ژوئیه تعرفه‌های جدید ۲۰ درصدی را بر تایوان اعمال کرد، بلکه اجازه نداد «لای چینگ ته»، رئیس‌جمهور تایوان در طول سفرهای بین‌المللی برنامه‌ریزی شده از نیویورک به عنوان توقفگاه استفاده کند، که این امر از یک سنت دیرینه در روابط ایالات متحده و تایوان فاصله می‌گیرد. به عبارت دیگر تمرکز ترامپ بر تجارت و بی‌تفاوتی وی به مسائل حساس سیاسی دقیقاً همان چیزی است که پکن مدت‌هاست به دنبال آن بوده است. رهبران چین بالاخره «تاجری» را که انتظار داشتند هنگام انتخاب ترامپ در سال ۲۰۱۶ با او برخورد کنند، دیده‌اند.

■ مدیریت چینی ترامپ

در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ، پکن سعی کرد با مدیریت تیم ترامپ از جمله با ایجاد یک کانال مخفی برای مذاکرات از طریق «جرد کوشنر» وی را مدیریت کند. این رویکرد تا حدودی به دلیل اولویت‌های متناقض بین اعضای دولت ترامپ شکست خورد. این بار پکن معتقد است که بهترین گزینه، مدیریت خود ترامپ است. مذاکره مستقیم با رئیس‌جمهور به جای کار در پشت‌صحنه، محتمل‌تر راه برای شکل دادن به دستور کار ترامپ به نظر می‌رسد. ترامپ همچنین اولویت‌های دولت فعلی خود را به طور واضح‌تری نسبت به دولت قبلی تعیین کرده است. تیم ترامپ به شدت به دستور کار سیاسی وی وفادار بوده است؛ حتی «مارکو روبیو»، وزیر امور خارجه که در زمان حضورش در سنای ایالات متحده آمریکا به شدت از سابقه حقوق بشر و نظام سیاسی اقتدارگرای چین انتقاد می‌کرد، در دوران

تصدی وزارت امور خارجه در انتقاد از چین خوشبین‌داری کرده است. بنابراین ملاقات حضوری با ترامپ برای چین به طور فزاینده‌ای مهم است. به همین دلیل است که پکن به برگزاری یک نشست در سطح رهبری در پاییز در چین امیدوار است. از نظر رهبران چین که هر اقدام سیاست خارجی برای آن‌ها وزن نمادین مهمی دارد، نوبت ترامپ است که از چین بازدید کند: شی در سسال ۲۰۲۳ از ایالات متحده آمریکا بازدید کرد، بنابراین نشست بعدی ریاست‌جمهوری باید در چین باشد تا برابری روابط را نشان دهد. رهبران چین امیدوارند از این دیدار برای جلب نظر مستقیم ترامپ و بررسی تمایل وی برای هر نوع معامله بزرگی که ممکن است تنش‌های سیاسی را کاهش دهد، استفاده کنند.

با این حال احساس توانمندی پکن در تجارت به خوش‌بینی کلی در مورد رابطه بلندمدت چین با ایالات متحده آمریکا تبدیل نشده است. بسیاری از رهبران چین با وجود تمرکز ترامپ بر کسری تجاری معتقدند که توافق تجاری هدف نهایی وی نیست. نگرانی رایج این است که سیگنال‌های تجاری مثبت از سوی ایالات متحده آمریکا تاکتیکی و زودگذر هستند و ممکن است در طی زمان واشنگتن خصومت خود را نسبت به چین و نظام سیاسی آن از سر بگیرد. دولت ترامپ می‌تواند کمپین خود را برای هدف قرار دادن اعضای حزب کمونیست و خانواده‌هایشان که شامل محدود کردن دسترسی به ویزا برای سفر به ایالات متحده بود، از سر بگیرد یا می‌تواند از طریق کمک‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک حمایت از تایوان را افزایش دهد. پکن همچنین نمی‌خواهد ایالات متحده آمریکا تلاش‌هایی را افزایش دهد که خواهان جدا کردن حزب کمونیست چین از مردم چین باشد و همچنین نمی‌خواهد ایالات متحده آمریکا اتلاف جهانی ضد چینی را که می‌تواند پکن را منزوی کند، تقویت کند. برخلاف مسائل تجاری که در آن پکن با اعتماد به نفس به میز مذاکره نزدیک می‌شود و جایی برای معامله می‌بیند، تمرکز بر سیاست روابط دوجانبه را به سمت سقوط آزاد سوق می‌دهد.

اعتماد پکن بسه مذاکرات تجاری همراه با نگرانی‌هایش در مورد تنش‌های بلندمدت بین دو کشور، ممکن است چین را تشویق کند تا عمداً روند مذاکرات تجاری را طولانی‌تر کند تا مذاکره حتی پس از اولین توافق برای رسیدگی به عدم تعادل تجاری، فروش فنتانیل و جریان آزاد عناصر خاکی کمیاب ادامه یابد. پکن احساس می‌کند تا زمانی که مسئله اصلی تجارت باشد، می‌تواند در برابر فشار ایالات متحده آمریکا مقاومت کند. علاوه بر این چین احتمالاً در هر توافق احتمالی، بدهای فسخ را مشخص خواهد کرد تا انعطاف‌پذیری لازم را برای پاسخ به دولت ترامپ داشته باشد. اگر ترامپ نظر خود را در مورد تمرکز بر تجارت تغییر دهد یا اگر واشنگتن، پکن را در مسائل سیاسی هدف قرار دهد و اقدامات خصمانه‌ای علیه آن در مورد تایوان انجام دهد، چین آماده است تا با امتناع از اجرای تعهدات خود در توافقاتمه تجاری، قدرت‌نمایی کند و با اقدامات اقتصادی خود تلافی کند. در حالی که پکن به مرحله بعدی توافق نگاه می‌کند، همچنان در مورد اینکه کدام نسنسخه از دولت ترامپ ظهور خواهد کرد، مردد است. پکن خواهان مذاکرات رو در رو با ترامپ با تمرکز بر مسائل اقتصادی و تجاری است تا با تعهد به روابط مثبت و دوستانه ایالات متحده آمریکا و چین حداقل برای سسه سال آینده، دست‌ان وی را ببندد. اما این طرح می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد. حس اغراق‌آمیز چین در مورد توانمندسازی در تجارت می‌تواند سیاست‌گذاران آن را بیش از حد آسوده‌خاطر کند که می‌تواند واکنش شدیدتر ایالات متحده آمریکا را برانگیزد و روابط دوجانبه را به ورطه بی‌اعتمادی و خصومت متقابل بازگرداند. از بسیاری جهات، سیاست‌گذاران و تحلیلگران در پکن معتقدند که رکود نهایی در روابط اجتناب‌ناپذیر است با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن ترامپ، یک توافق تجاری اولیه ممکن است به یک تسکین کوتاه‌مدت تبدیل شود. مهم نیست که رهبران چین پس از شش ماه از دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، موضع خود را در قبل ایالات متحده آمریکا بقدر قوی بدانند، آن‌ها احساس می‌کنند چاره‌ای جز آماده شدن برای احتمال وقوع اتفاقات بسیار بدتر در آینده وجود ندارد.

درس‌های تاریخی شهریور ۱۳۲۰ و اتفاقات پس از آن به کار این روزهای بخشی از جامعهٔ ایرانی می‌آید

عاقبت تسلیم‌طلبی

ادامه از صفحه یک

این واقعه بعد از گذشت هشتاد و چهار سال اگر مجدد بررسی شود، چند مسئله حیاتی برای امروز ما دارد.

۱- ایران با ایده صلح و با ایده بی طرفی هم توانست امنیت خود را حفظ کند؛ به تعبیر درست‌تر ژئوپلیتیک ایران در موضوع بی طرفی اصلاً پایدار نیست و تا حد اشغال هم پیش می‌رود. به نوعی ایران اگر نتواند دارای موضع مشخصی باشد، قطعاً دچار بحران‌های وسیعی می‌شود مثل سوم شهریور ۱۳۲۰

۲- ایده بیرونی به اشغال ختم می‌شود؛ کودتای ۱۲۹۹ را انگلیسی‌ها شکل دادند و طبیعی بود در لحظه‌ای که بخواهند کشور را دچار بحران می‌کنند. هر نوع ایده‌ای از بیرون نه تنها استقلال کشور را نقض می‌کند بلکه تا مسیر اشغال و بحران

پاورقیسم فرهنگی؛ تهدیدی تمدنی

ادامه از صفحه یک

متأسفانه گروهی از نیروهای جوان، پراترژ و انقلابی – که باید موتور محرکه این پروژه تمدن‌سازی باشند – به شکلی ناخودآگاه در حال تمرین و تکرار الگویی از رفتارند که درست در مقابل با «شهرزیند تمدن‌ساز» قرار دارد: الگویی که می‌توان آن را «پاورقیسم فرهنگی» نامید؛ نوعی زینست‌حاشیه‌ای که به‌جای آفرینی و میدان‌سازی، انرژی خلاق را در واکنش‌های آنی، انفجالی و تخریبی فرسوده می‌کند. این الگو، در هیاهوی رسانه‌ای امروز، هر روز در حال تکرار است و اگر مهار نشود، نه فقط بی‌ثمر که تهدیدی جدی برای پروژه بزرگ تمدن‌سازی به‌شمار خواهد رفت. زینست‌پاوری، زینستی فرعی، واکنشی و ثانوی است. در عرصه فرهنگ یقیناً نیروهای اجتماعی به‌جای متن‌آفرینی، حاشیه‌نشینی را برگزینند، نتیجه چیزی جز زوال تمدنی نخواهد بود. نمونه روشن این زینست‌فرهنگی، برنامه تلویزیونی پاورقی است که در حاشیه اخبار و رویدادها روزگار می‌گذراند. این برنامه نمونه‌های مشابهش، نه‌متنی می‌سازند، نه میدانی تازه می‌کشایند و نه افقی نو بر جامعه عرضه می‌کنند؛ تمام هوش‌شان ایستادن در حاشیه و بر تاپ‌طننه به‌متن است. این نه‌تاکتشی سازنده نیست، بلکه واکنشی است خسته، فرسوده، تهی از نیروی سازندگی و با ظرفیت بسیار بالا برای سوءاستفاده و انحراف. خطر آن‌گاه جدی‌تر می‌شود که این

فرهمنجنگان

آدم‌حکمرانی

[نقد و بررسی اندیشه‌ها]



سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۴



شماره ۴۴۹۱



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

آدم‌حکمرانی

۶- حذف همه نیروهای میانجی به دست عوامل خارجی و استبداد داخلی؛ از حذف تقی پسیان تا خانه‌نشینی اهل فکر به این جهت شکل گرفت که پهلوی‌ها تصور می‌کردند با قدرت بیرونی می‌توانند همه را سرکوب کنند اما در لحظه مهم قدرت بیرونی کشور را هم در وضعیت سختی قرار داد. حکومت وقت متوجه آن نبود که نیروهای میانجی، طرح عوامل خارجی بود که حذف شد. حکومت تصور می‌کرد به نیروی فکری نیاز ندارد. شاید اگر امروز مجدد دوباره به آن روزگار دهشتناک نگاه کنیم متوجه شویم که آنچه باعث توسعه و پیشرفت می‌شود توازن بین استقلال و توسعه است نه فدا کردن استقلال برای توهم توسعه!

۱۵

در هزارتی بی‌ثمر حاشیه‌نویسی رو به هدر است. پس با دلسوزی و اسر نگرانی یک همراه می‌گویم؛ برادران و خواهران پراترژ انقلاب، هوشیار باشید! این شیوه، شما را به جایی نمی‌رساند. در نبود پدری حامی و دلسوز، شهر شما را به‌عنوان «شهراندیش» می‌سازند و به‌عنوان «شهراندیش» می‌آفرینند؛ تنهایی جامعه‌ای افزایش می‌یابد. اسب‌جامجمی را از درون می‌پاشانند امکان خودرتمیمی و عقلایت را از فرهنگ عمومی می‌گیرد. نشانه بارز این عقلایت زنی‌رای می‌توان در رخدادهای اخیر حول بیانیته جبهه اصلاحات دید. در روزهایی که بخش بزرگی از بدنه اصلاح‌طلبان با نقدی سازنده و علاقه‌نه بیانیته‌ای ناپخته و مشتاپزده از سوی جبهه اصلاحات واکنش نشان دادند و آن را با الفاظی چون نسخه‌تسلیم،غیرواقعی،غیر مسئولانه...نقد کردند؛ نقدی که قدم‌به‌قدم در حال نقای شعور سیاسی و فرهنگی جامعه بود، هیاهوهای کودکانه و پاوری و عدا و این روند مثبت را متوقف ساخته و درست در همین فضای غوغا سالار است که امضا کنندگان آن می‌بینیم استادی محترم، به‌جای تحلیل تاریخی متین و روشمند، به مقایسه‌های سطحی و تحریک‌آمیز روی می‌آورد و خصیت‌های سیاسی را به چهره‌های منفور و انحرافی تاریخ پیوند می‌زند، باید زنگ خطر را به صدا در آورد؛ «پاورقیسم» دیگر صرفاً یک شوخی رسانه‌ای نیست، بلکه به یک بیماری فرهنگی تمام‌عیار بدل شده است و این تنها

الگویی رسانه‌ای از سطح یک برنامه تلویزیونی کم‌دلی فراتر رود و به «رفار فرهنگی» فراگیر بدل گردد؛ آن‌هم در میان همان قشری که خود را پیشگام انقلاب و آینده‌ساز فردای ایران می‌داند. وقتی انرژی عظیم این نیروهای پرتوان به‌جای آفرینش میدان‌های تازه، صرف عکس‌العمل‌های لحظه‌ای به هر رویداد سخیف و بی ارزشی شود، در حقیقت بزرگ‌ترین سرمایه تمدنی خود را هدر داده‌ام. نیرویی که باید معمار عرصه‌های نو در اقتصاد، اجتماع، علم و هنر باشد، به «برادر کوچک» می‌تاب و غرغروی تبدیل می‌شود که زیناش جز فریاد اعتراض نیست و در مواجهه با کوچک‌ترین نقد یا تذکر به خودش به‌جای درون‌نگری و بازتعریف رفتار، به بازی کودکانه «هنرم غریبم» روی آورده و در پی جلب ترحم پدر خود خانواده است. نشانه روشن گسترش این الگوی فرهنگی، خروج آن از قالب یک کم‌دلی تلویزیونی است. هنگامی که در شبکه‌ای چون شبکه ۴ – که رسالتش فره‌بخنگی و اندیشه‌ورزی است – می‌بینیم استادی محترم، به‌جای تحلیل تاریخی متین و روشمند، به مقایسه‌های سطحی و تحریک‌آمیز روی می‌آورد و خصیت‌های سیاسی را به چهره‌های منفور و انحرافی تاریخ پیوند می‌زند، باید زنگ خطر را به صدا در آورد؛ «پاورقیسم» دیگر صرفاً یک شوخی رسانه‌ای نیست، بلکه به یک بیماری فرهنگی تمام‌عیار بدل شده است و این تنها